هرسازشی با رژیم خیانت به آرمان مردم است

زمونی رژیم درمقابله باجنبش وبحران عمومی کنونی، ادامه پیروزمندانه ویرتوان اعتصاب وتحریم همگانی و بویژه عظمت تظاهرات چندین میلیونی روزهای نوزدهم وبیستم آذر ماه بیانگر زمینه تحولاتی است که می تواند به انجام تغییرات مهمی درساخت قدرت سیاسی حاکم وترکیب فعلی آن بیانجامد. ضمون این تحولات ازیک سوگیای عقب نشینی دامنه دار وصالحه جویانه رژیم فاشیستی مزدور وازسوی دیگر بیانگر قدرت عظیم خلق درمقابله باارتجاع وکامهائیست که جنبش خلق دربرابر زمونی رژیم می تواند بسوی پیروزی به پیش بسرد ارد .

سرنوشت این تلاش دوران سازخلق، پیروزی یاشکست او مستقیما" به میزان آشتی ناپذیری عناصررهبری جنبش انقلابی ودموکراتیک کنونی خلق ایران در برابر امپریالیسم و ارتجاع، بستگی دارد .

دراین میان خیل بیشماری ازحاشیه نشینان جنبش که تازه سراز خواب سنگین زمستانی برداشته اند، پابه میدان مبارزات باصطلاح سیاسی نهاده، بدون داشتن هیچ حقی به گردن مردم وبدون داشتن هیچ پایگاهی در درون خلق،خودرارهبران جنبش پنداشته تعیین ترکیب کابینه و تشکیل حکومت ائتلافی وتعیین شکل دولت آتی را وظیفه خودتصور کرده اند !

ازآنجاکه برمبنای شواهد موجودکمان می رود این نیروها، که بنابه ماهیت شان تابه امروز هیچ نشانی جزسازشکاری وفرصت طلبی ازخود بجای نگذاشته اند دراین مقطع بحرانی به یاری رژیم شتافته وبه رفع بحران ازطریق مصالحه کمربسته باشند وبا توجه به مانورهای ماهرانه ای که هیات حاکمه و برخی رادیوها ومنابع خارجه هرکدام بدلائل مختلف برای دگرگونه جلوه دادن نقش واهمیت این محافل درجنبش وکسب محبوبیت برای آنهادربیش گرفته اند " سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" وظیفه خود می داند، برای تحکیم صفوف رزمندگان واقعی راه رهائی خلق، با افشای هویت وموضع واقعی این محافل، چه داخلی وچه خارجی، که خواسته یاناخواسته، نقشی جز به انحراف کشیدن افکارعمومی ونهایتا" خام کردن وخفه کردن جنبش توده ای ندارد، این دوستان دروغین خلق رابه آنها بشناساندو بدین وسیله همه طرحها وتوطئه هائی را که ممکن است یکباردیگر مبارزات خلق قهرمان مارا در دریائی از خون خفه کند، برملا سازد .

****

امروز که ماهیت رژیم و نقش ارتش مزدور وضرورت مبارزه در راه سرنگونی رژیم و اشکال عملی و موثر این مبارزه بیش از هرزمان دیگر برای خیل عظیم توده های مردم افشاء و درک شده است،

امروز که رژیم مزدور بیش از هرزمان دیگر زیر ضربات مرگبار جنبش انقلابی خلق بلرزه درآمده است،

امروز که ارتش ضد خلقی و دست نشانده امپریالیسم به عمده ترین عامل کشتار و سرکوب خلق بدل گشته است،

امروز که رشد تضادهای درون هیات حاکمه، رمق رژیم را در مقابله با جنبش انقلابی خلق و سرکوب آن، به پایان می برد،

امروز که شرایط و مقتضیات بیش ازهرزمان دیگر مسلح شدن مردم و آغاز جنگ مسلحانه علیه

پیروز باد مبارزه مسلحانه تنها راه رهائی خلق ایران

رژیم دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم را ایجاب کرده است.

ادامه مبارزه هرچه پیگیرتر با دشمن مفتضح شده خلق از یکسو و افشای ماهیت تمام کسانیکه تحت عنوان دوستان مردم تلاش دارند مبارزه را از مسیر اصلی، یعنی سرنگونی رژیم شاه ونابودی ابزار اعمال قدرت امپریالیستی ـ دستگاه بوروکراسی وارتش ـ منحرف نموده و بدین وسیله با فریب مردم و سازش با امپریالیسم به مقاصد ضد مردمی خود دست یابند ازسوی دیگر، وظیفه تمام نیروهای مبارز و انقلابیست.

بویژه پس ازروی کار آمدن دولت نظامی برای مردم بیش از هر زمان دیگر روشن گشته که این رژیم سرتاپا مسلح را که حافظ و نگهبان منافع امپریالیستهاست، توسل به روشها و تاکتیکهای قانونی، محافظه کارانه، سازش کارانه، مسالمت جویانه و اصلاح طلبانه متلاشی نخواهد کرد.

پناه بردن کامل رژیم به حکومت نظامی، دولت نظامی و ارتش، بیانگر آشتی ناپذیری خلق و رژیم وابسته به امپریالیسم شاه است که جز سرنگونی رژیم ضد مردمی علاج نخواهد شد.

این رژیم جنایتکار، با اتکاء به ارتش، که سرکردگان آن جز فن سرکوب و کشتار توده ها چیز دیگری از مربیان آمریکائی و انگلیسی خود نیاموخته اند، ثابت کرده است که قطعاً" در تدارک جنایاتی بسیار بزرگتر از ۳۰ تیر، ۲۸ مرداد، ۱۵ خرداد، و ۱۷ شهریور و روزهای اخیر خواهد بود.

امپریالیسم ممکن است با تکیه بر ارتش چندصباحی دیگر از سقوط شاه جلوگیری نماید ولی هیچ حیله تبلیغاتی و سیاسی نمی تواند حتی ذره ای هم از کینه عمیق مردم نسبت بشاه بکاهد. مردم ما با تحمل رنجها و محرومیتهای بیشمار وبه قیمت خون بهترین فرزندان این سرزمین دشمنان واقعی و عاملین اصلی تمام جنایات را شناخته اند. خواست واقعی مردم در فریادهای میلیونها توده که یك زبان شعارهای " مرگ براین سلطنت پهلوی" و " این شاه آمریکائی اعدام باید گردد "، صراحتاً" اعلام شده است. قدرت عظیم خلق قطعاً" این احکام رابه مرحله عمل در می آورد.

اما برخی محافل شناخته شده با استفاده از نتایج مبارزات مردم سعی می‌کنند با سازش و نگاهداشتن رژیم شاه تحت عنوان حکومت مشروطه سلطنتی و دفاع از قانون اساسی سهمی از قدرت شاه، را بهرقیمت برای خود دست ویا نمایند.

راه های قانونی و پارلمانی که آنهادر مقابل مردم می‌گذارند، راه مردم نیست. این راه، راه منتظرالوزاره هائیست که در ۱۵ سال اخیر در فراق دستگاه شاه حسرت کشیده اند. آنها خواهان شرکت دردولت هستند نه سرنگونی رژیم منفور شاه ودار ودسته خودفروخته جنایتکارش که جز مردم کشی و سرکوب خلق هیچ نقش دیگری نداشته‌اند.

آنها در گذشته ای نه چندان دور هم این یاوه گوئیها را تکرار کرده بودند، ولی مردم ما " مشروطه خواهان روز شنبه " راخوب می شناسند. راستی این آقایان تا امروز کجا تشریف داشتند؟ در شکنجه گاههای کمیته و اوین یا در قصرهای چندین میلیونی مجاور کاخ ذات اقدس ؟!

اگر درگذشته دفاع از احیای قانون اساسی و مبارزات متکی به قانون اساسی می توانست وسیله ای برای پیشبرد مبارزات مردم باشد، امروز که خلق یك زبان سرنگونی رژیم شاه و پایه های قدرت امپریالیستی اورا طلب می‌کند، چسبیدن به شعار " قانون اساسی و حکومت قانون" ترمزی در مقابل مبارزات توده ها،خیانت به منافع خلق زحمتکش و بیانگر ارتجاع محض است. بی جهت نیست که امروز دولت نظامی شاه خودرا مدافع سرسخت قانون اساسی معرفی می کند ودوستان واقعی مردم رابا این حربه مورد تهاجم قرار می‌دهد.

مردم ما همچنین، مراجعی راکه نسبت به آرمانهای انقلابی آنها موضعی دو پهلو ریاکارانه بگیرند محکوم کرده و آنهارا از صفوف خود بیرون خواهدراند. معیار سنجش دوستان واقعی خلق، سازش ناپذیری و محکومیت قاطع رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، این لاشه‌گندیده و متعفن ارتجاع است. بعلاوه این مراجع هر قدر هم که در سخن بکوشند امروز خود رابه مردم بحسبانند باز هم عمل و سوابق شان نشان دهنده ماهیت واقعی آنهاست.

حمله به دولت به دلیل عدم اجرای کامل قانون اساسی، موضع دوپهلو و تسلیم طلبانه در مبارزات فعلی و داشتن روابط مشکوك با وابستگان رژیم نشانه هائیست که بیش ازهر زمان دیگر ماهیت واقعی این هواداران دروغین مردم را برای همگان برملا کرده است.

ترس از تکثیر مردم وبزبان دیگر نیروی مردم قادراست دوستان کاذب فراوانی برای مردم بتراشد، اما خلق مادرعمل نشان داده است که درتشخیص دوستان واقعی خوداز دوستان دروغین

www.iran-archive.com

تاکنون کمتر به خطا رفته است .

در بخش دیگر جنبش هم نغمه های ناساز سازشکاری و فرصت طلبی بگوش می‌رسد . ازآن جمله است تز تشکیل دولت ائتلافی حزب توده * که محتوی ورسالت آن حل بحران کنونی و حفظ رژیم بدون شاه ونجات سیستم است .

در مرحله کنونی ارزشد مبارزات خلق، این فرصت طلبان واقعاً" مفلوك، که قدرت تطبیق شگرفی با همه چیز درخود احساس می کنند ! به شیوه ای رندانه در سودای اغتنام فرصت و جا کردن خود در سیستم وابسته به امپریالیزم و جوش خوردن با آنشد .

چرا این اصلاح طلبان " جان سخت" نقش ووجود ارتش سراپا مسلح دست نشانده امپریالیسم آمریکا، یعنی رکن اصلی قدرت شاه، عامل عمده سرکوب جنبش انقلابی خلق، اهرم واقعی حفظ دیکتاتوری، ادامه وابستگی و سلطه امپریالیسم را بروی خود نمی‌آورند؟ زیرا آنها می خواهند ماشین دولتی را تصرف کنند نه اینکه آنرا متلاشی نمایند .

زیرا برنامه آنان انجام اصلاحاتی است که خود امپریالیسم و ارتجاع داخلی امروز برای نجات سیستم ازخطر رویاروئی باانقلاب اجتماعی سراسیمه مجال انجام آنرا می‌جویند زیرا اجرای این برنامه به متلاشی کردن ماشین حکومتی نیاز ندارد .

این ائتلاف ــ که از مشتی مهاجران عتیق، سازشکاران کهنه کار و بی رمق و رانده شدگان از درگاه شاه، به روی کاغذ تشکیل شده ــ وظیفه عاجل خودرا رفع بحران، اصلاحات سیاسی و رفرمهای اقتصادی قرار داده و نابودی ارکان اصلی حفظ سیستم وابسته به امپریالیسم را به بعد موکول می‌کند یا اصلاً" به فراموشی می‌سپارد .

این طرح عملاً" می‌خواهد گریبان ارتجاع رااز دست خلق رها سازد، باو فرصت دهدمواضع خود راتحکیم کند ودر نهایت با یورش مجدد به خلق کاررا به تکرار تلخ یك فاجعه تاریخی دیگر کشاند . آیا این همان خام کردن مردم و یك بار دیگر بپروردن مار درآستین خلق نیست؟ بی‌جهت نیست که همه نیروهای خلقی این ورشکستگان جان سخت راهمیشه با کینه خاصی از صفوف خویش رانده‌اند .

تمام نغمه‌های مهجور وناهنجار حکومت قانون وسرنگونی دولت از راههای قانونی ومسالمت آمیز، استقرار حکومت وحدت ملی و ائتلاف ملی که سرنگونی کامل رژیم شاه و پایه های قدرت امپریالیستی اورا مسکوت می‌گذارد و تنها احیای مشروطه ای گوش و دم بریده، یا تثبیت رژیم بجای تثبیت شاه را مورد نظر قرار می‌دهد، دراین شرایط هدفهای ضد مردمی دنبال می‌کنند . بی‌پرده باید گفت هرکس چنین گند پنهان یا آشکار در نهایت تنها خواهان یك چیز است،جاکردن خود درسیستم و سهیم شدن در حکومت وابسته به امپریالیسم .

* * *

ما همچنین هرنوع برخورد وارابطه تائید آمیز نسبت به رژیم شاه از جانب کشورهای سوسیالیستی، را به هرنیتی، که باشد، بعنوان بی توجهی وبرخوردی غیراصولی با مبارزه خلق خویش محکوم می‌کنیم . هرکشوری که امروز از مبارزات خلق ما در راه سقوط رژیم موجود حمایت نکند، درکنار مردم ما قرار ندارد .

مردم ما از مردم سراسر جهان، از کلیه نیروهای ترقی‌خواه، که امروز ناظر خیزش مجدد خلق سرکوب شده‌اند، می‌خواهند که حمایت کامل خودرابهر شکلی که میسر است،از خواست حقه مردم ایران که سرنگونی خاندان کثیف پهلوی، استقرار دموکراسی واقعی خلقی و استقرار یك حکومت دموکراتیك واقعی است، ابراز دارند .

* * *

---

* ــ از نظرماجون مدافعان این تز در درون جنبش خلق عملاً" هیچ پایگاه، اعتبار یا نفوذی ندارند، افشاگری بر علیه آن تنها دارای اهمیت نظری است .

" سازمان چریکهای فدائی خلق ایران " که تنها راه رهائی مردم ایران را از بند ستم امپریالیسم و ارتجاع داخلی، جنگ مسلحانه توده‌ای می‌داند، هرنوع سازش با این نظم منفور و هرنوع توقف در مبارزه بخاطر نابودی کامل رژیم بلرزه درآمده شاه دیکتاتور و اربابان امپریالیستش را، بزیان مصالح و آرمانهای مردم تلقی می‌کند.

ما هرگز مقاصد و نظریات خویش راپنهان نخواهیم ساخت. ما آشکارا اعلام می‌کنیم که تنها از طریق واژگون کردن همه نظام اجتماعی موجود، از راه جبر، دست یافتن به پیروزی قطعی میسر است. بگذار طبقات حاکم درمقابل انقلاب دموکراتیک خلق بر خود بلرزند.

سازمان ما هر نوع تن دردادن به آشتی بارژیم را حتی بدون شاه، تلاشی می‌داند که ضمون آن خام کردن و خاموش کردن مردمی است که امروز حاضرند تابای جان برای رهائی کامل خود بجنگند.

ارتجاع و امپریالیسم منافع بیکران خود را براحتی رها نخواهند کرد. شاه گرچه در حفظ وضع موجود و تمرکز نیروهای سرکوب ارتجاع نقش بارزی دارد ــ و از اینرو عزیزترین و مهمترین مهره امپریالیسم در ایران است و به همین دلیل سرنگونی شاه خواست عاجل و فوری همه خلقهای ایران است ــ ولی با این همه باید هشیار بودکه اربابان او جهت نجات سیستم و حفظ منافعشان ممکن است دراین مقطع بحرانی زیر فشار متحد و یك پارچه ۳۷ میلیون خلق ایران مجبور شوند جای اورا به یك حکومت دیکتاتوری فاشیستی دیگر باظاهری فریبنده و چهره‌ای ناشناخته دهند. این حقیقتی است که احتمال آنرا نباید از نظر دور داشت. این واقعیتی است که دیگر خلقهای ستمکش جهان با آن روبرو بوده‌اند.

نیروهائی که جز سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، جز رهائی کامل خلق، آرمانی در سر ندارند و صادقانه دراین راه می‌جنگند و هرتزلزلی، هرسازشی و هر ائتلافی با هر یك از ارکان نظم موجود (شاه، دستگاه بوروکراسی و ارتش سرکوب گر) را محکوم کرده، امروز وظیفه خود می‌دانند با تدارك اشکال عالیتر سازماندهی و مبارزه در مسیر بسیج مردم و آغاز جنگ مسلحانه، در راه استقرار یك حکومت دموکراتیك که منحصرا" از نمایندگان واقعی و انقلابی تمام اقشار و طبقات خلق تشکیل شده باشد، گام بردارند.

این شرایط وظیفه سنگینی درجهت تبلیغ و ترویج بازهم وسیع تر ضرورت جنگ مسلحانه خلق بمثابه تنها راه رهائی و تدارك عملی آن بصورت بسیج وبهره گیری از حمایت مادی مردم و کمك به شکل گیری عناصر دفاع و حمایت از جنبش مسلحانه درمیان تمام اقشار و طبقات خلق بر عهده همه پیشگامان جنبش انقلابی کنونی، همه عناصر آگاه، نهاده است.

این وظیفه‌ای است که امروز درمقابل تمام نیروهای مبارز و انقلابی قرار گرفته است. وظیفه‌ای که بدون انجام آن بی‌شك تمام تلاشهای خلق ما بار دیگر در دریائی از خون خفه خواهد شد.

نابود باد جبهه سازشکاران و فرصت طلبان

مستحکم باد پیوند همه نیروهای مبارز و انقلابی خلق ایران

" سازمان چریکهای فدائی خلق ایران "

آذرماه ۵۷